

## بیان یک نکتہ اخلاقی

الم تر ان الله سبحانه له من في السموات والارض والطير  
صافات كل قد علم صلاته وتسبيحه والله عليم بما يفعلون  
. والله ملك السموات والارض والى الله المصير

# تعریف نگاه سرایت

- سرایت در لغت به معنی جریان و انتقال چیزی از جایی است به جای دیگر.
- لیکن در اصطلاح سرایت عبارت است از پیشروی یک جنایت به نحوی که منتهی به جنایت بزرگتر و بیشتر گردد.

## جایگاه سرایت در حقوق ایران

- سرایت در حقوق ایران در باب قصاص و دیات طرح شده هر چند موضوع سرایت در فقه امامیه اختصاصی به باب قصاص و دیات ندارد.

# ماهیت سرایت

- به موجب مبانی فقهی و حقوقی ایران که متخذ از فقه امامیه است جنایت یا بالمباشره است یا بالتسبیب و یا به اجتماع سبب و مباشر .
- آنچه از بیان فقها مستفاد است اینکه سرایت ماهیتا از مصادیق تسبیب در جنایت است . علامه در قواعد به هنگام بیان مصادیق تسبیب در جنایت می نویسد : « کان مباشرة كقطع اليد أو تسببها كما لو ألقى نارا على يده أو حية ، أو قطع إصبعاً فسرت إلى كفه ، أو جرحه فسرى إليه » - قواعد الأحكام - العلامة الحلبي ج ۳ ص ۶۳۱ .

## بیان ثمره نزاع

- ثمره اینکه جنایت مسریه از جمله جنایات بالمباشره باشد یا بالتسبیب در اجتماع سبب و مباشر است . چه اینکه ممکن است سبب سرایت امری غیر از فعل جانی باشد .

# رژیم مسوولیت جانی و احمیانا سایر عوامل موثر در جنایت مسریه

• مقدمه اول : نحوه و شرایط تحقق شرکت در جنایت مسریه :

• شرکت در جنایت مسریه به دو نحو محقق می گردد :

• الف) اجتماع مباشران : دو یا چند نفر در جنایت اصلی شریک بوده و همه جنایات منتهی به جنایت مسریه گردد .

• ولا يعتبر التساوی فی الجنایة ، بل لو جرحه واحد جرحا وآخر مائة ، ثم سرى الجميع فالجنایة علیهما بالسویة ، وتؤخذ الدیة منهما سواء . - قواعد الأحكام - العلامة الحلی ج ۳ ص ۵۸۸ .

• ولا یشرط فیہ تساوی الجنایات فی العدد و المقدار ، فلو جرح المقتول احدهم جرحا واحدا والآخر مائة وسرى الجميع حتى مات تساوی الجميع فی انه قاتل علی السواء ، فعلى كل واحد نصف الدم ، لان المدار علی القاتل ، ولما كان القاتل الجراح اثنين ، كان علی كل واحد نصف الدیة ، لعل لا خلاف فی ذلك . - مجمع الفائدة - المحقق الأردبیلی ج ۱۳ ص ۴۵۷ .

• ( و ) کیف كان ف ( تتحقق الشركة ) مثلا ( بأن یفعل كل منهم ما یقتل لو انفراد ) كأن أمسكوه جميعا فألقوه من شاهق أو فی النار أو البحر أو جرحوه جراحات قاتلة أو اشرکوا فی تقديم الطعام المسموم ( أو ما یكون له شركة فی السرایة ) كل ذلك ( مع القصد ) من كل منهم ( إلى الجنایة ) ... ( و ) علی كل حال ف ( لا یعتبر التساوی فی ) عدد ( الجنایة ، بل لو جرحه واحد جرحا والآخر مائة ) أو ضرباه بسوط كذلك ( ثم سرى الجميع فالجنایة ) قصاصا ( علیهما بالسویة ) علی الوجه الذی عرفت ( ولو طلب الدیة كانت ) الدیة ( علیهما نصفین ) . و کذا لا یعتبر التساوی فی جنس الجنایة ، فلو جرحه أحدهما جائفة وآخر أمه بل لو جرحه أحدهما وضربه الآخر فمات كان الحكم كذلك - جواهر الكلام - الشیخ الجواهری ج ۴۲ ص ۶۹ .

• ب) اجتماع اسباب : چندین سبب موجب جنایت مسریه گردد مانند اقدامات خود مجنی علیه .

مقدمه دوم : تداخل یا عدم تداخل قصاص و ویات جنایت مسریه در قصاص و ویات جنایت اصلیه

• الف) سرایت در دیات :

• اصل عدم تداخل اسباب و مسببات .

## ب) سرایت در قصاص :

- اصل در قصاص به موجب دلائل اجتهادی تداخل قصاص است .
- دیدگاه فقهای امامیه در خصوص تداخل قصاص طرف در قصاص نفس :
- تداخل مطلقا :
- عدم تداخل مطلقا :
- تفصیل بین ضربه واحد یا ضربات متعدد :
- اختلف الاصحاب فی دخول قصاص الطرف والشجاج فی قصاص النفس إذا اجتمعا علی أقوال ثلاثة ، وكلها للشيخ - رحمه الله :
- أحدها : عدم الدخول مطلقا ؛ ذهب إليه فی المبسوط و الخلاف و اختاره ابن إدريس ناقلا له عن الشيخ فی کتابین ، لعموم قوله تعالى : ( فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم ) وقوله تعالى : ( و الجروح قصاص ) . و لثبوت القصاص بالقطع والشجة عند فعلها ، فيستصحب .
- الثاني : ضده ، وهو دخول الاضعف في الاقوى مطلقا ؛ نقله المصنف عن الشيخ في الكتابين أيضا . واحتج له برواية أبي عبيدة الحذاء الصحيحة عن أبي جعفر عليه السلام قال : ( سألته عن رجل ضرب رجلا بعمود فسطاط على رأسه ضربة واحدة ، فأجابه حتى وصلت الضربة إلى الدماغ وذهب عقله .
- الثالث : التفصيل ؛ وهو التداخل إن اتحد الضرب ، وعدمه مع تعدده . ذهب إليه الشيخ في النهاية و استقر به المصنف ، لما ذكرناه في حجة الاول من ثبوت القصاص بالاولى عند فعلها ، والاصل عدم زواله ، بخلاف ما إذا اتحدت الضربة . ولرواية محمد بن قيس عن أحدهما عليهما السلام : ( في رجل فقا عين رجل وقطع أنفه وأذنيه ثم قتله ، فقال : إن كان فرق ذلك اقتص منه ثم يقتل ، وإن كان ضربه ضربة واحدة ضرب عنقه ولم يقتص منه ) - مسالك الأفهام - الشهيد الثاني ج ١٥ ص ٩٨ .

## اصل تبعیت جنایت مسریه از جنایت اصلیه در ضمان .

- از جمله آثار و نتایج این اصل :
- لزوم رعایت شرایط مقرر برای قصاص در زمان جنایت نه سرایت .  
مانند مسلمان شدن جانی در حد فاصل بین جنایت تا سرایت و یا بلوغ و جنون و ...
- ابتدای مهلت پرداخت دیات جنایت مسریه .
- ف ( انه ) إذا ( لم يجب القصاص فی ) ابتداء ( الجنایة فلم يجب فی سرایتها ) - جواهر الکلام - الشیخ الجواهری ج ۴۲ ص ۱۴۷ .
- عفو یا مصالحه مجنی علیه در فاصله فیما بین جنایت اصلیه و مسریه .
- عفو از اصل جنایت و سرایت . ( اسقاط ما لم يجب ) .

ماده ۵۳۸- در تعدد جنایات ، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آنها است مگر مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده است.

#### • نظریات فقهی

• تداخل الدیات إذا لم یمت المجنی علیه یحتاج إلى دلیل . . - السرائر - ابن إدريس الحلی ج ۳ ص ۴۱۵ .

• تداخل دیات در مواردی که جنایت منتهی به قتل مجنی علیه نشود محتاج به دلیل است .

• دلیل عدم التداخل ولزوم الدیة أن کل واحد سبب للدیة وموجب تام والاصل عدم التداخل . . -

مجمع الفائدة - المحقق الأردبیلی ج ۱۴ ص ۳۶۲ .

• دلیل عدم تداخل دیات و لزوم تعیین دیات جداگانه برای جنایات جداگانه این است که هر جنایتی سبب و علت تامه برای دیه جداگانه بوده و اصل بر عدم تداخل دیات است .

• إذا اجتمع بعض ما فيه الدیة المقدره شرعا مع بعضها الاخر كذلك فلكل دیتة وذلك للاطلاق

وعدم الموجب للتداخل . - مبانی تکملة المنهاج - السيد الخوئی ج ۲ ص ۳۴۵ .

• زمانی که جنایاتی که دارای دیه مقدر شرعی هستند با جنایات دیگر جمع شوند هر کدام دیه جداگانه دارند دلیل این امر اطلاق ادله است و اینکه موجب و دلیلی بر تداخل نیست .

- من جمله القواعد الفقهية قاعدة " اصاله عدم تداخل الاسباب ولا المسببات " ...  
أما المراد من اصاله عدم تداخل الاسباب هو ان كل سبب له مسبب أي : يتكرر وجود المسبب بتكرر وجود السبب ، سواء أكان السبب المكرر وجوده من سنخ واحد أو من اسناخ متعددة . - القواعد الفقهية - السيد البجنوردی ج ۳ ص ۲۰۹ .
- از جمله قواعد فقهی قاعده اصاله عدم تداخل اسباب و مسببات است و مقصود از این قاعده این است که با تکرار سبب مسبب نیز تکرار خواهد شد خواه اسباب متعدد از یک سنخ باشند یا سنخ های متعدد .

ماده 540- هرگاه صدمه وارده عمدی باشد و نوعاً کشنده یا موجب قطع عضو یا آسیب بیشتر نباشد لکن اتفاقاً سرایت کند، علاوه بر حق قصاص یا ویه، نسبت به جنایت عمدی کمتر، حسب مورد ویه جنایت بیشتر نیز باید پرداخت شود مانند اینکه شخصی عمداً انگشت دیگری را قطع کند و اتفاقاً این قطع سرایت کند و موجب فوت مجنی علیه یا قطع دست او گردد، علاوه بر حق قصاص یا ویه انگشت، حسب مورد ویه نفس یا ویه دست مجنی علیه نیز باید پرداخت شود.

- **مسألة ۶۳: إذا قطع إصبع رجل ، فسرت الى كفه ، فذهب كفه ، ثم اندملت ، فعليه في الاصبع والكف القصاص . . . - الخلاف - الشيخ الطوسی ج ۵ ص ۱۹۵ .**
- اگر انگشت انسانی را قطع کند و جنایت سرایت کرده و کف دست مجنی علیه از بین برود محکوم به قصاص انگشت و کف دست خواهد شد .
- **فلو قطع إصبعه عمدا لا بقصد القتل فسرت الى نفسه قتل الجراح . - قواعد الأحكام - العلامة الحلبي ج ۳ ص ۵۸۵**
- اگر انگشت کسی را عمداً و بدون قصد قتل قطع کند ولی جنایت سرایت کرده و منجر به قتل شود جانی محکوم به قصاص نفس می شود .
- **لو سرت جنایة العمد علی طرف إلى النفس ثبت القصاص ( فی النفس ) اتفاقاً كما هو الظاهر وإطلاقهم يشمل كل جراحة قصد بها القتل أم لا كانت مما يسرى غالباً أولاً فلو قطع اصبعه عمدا لا بقصد القتل فسرت إلى نفسه قتل الجراح ولكن فيه نظر . . . - كشف اللثام (ط.ق) - الفاضل الهندی ج ۲ ص ۴۴۱ .**
- اگر جنایت عمدی نسبت به عضو، به نفس سرایت کند به اجماع، قصاص نفس ثابت است اطلاق عبارات فقها شامل هر جنایتی است خواه جانی قصد قتل داشته باشد یا نه؟ خواه جنایت نوعاً مسری باشد یا نه؟ بنابراین اگر جانی انگشت مجنی علیه را بدون قصد قتل، قطع کرده و مجنی علیه بر اثر سرایت بمیرد جانی قصاص می شود و لکن این مساله جای تامل دارد .

ماوه 296- اگر کسی، عمداً جنایتی را بر عضو فرعی وارد سازد و او به سبب سرایت جنایت فوت کند، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می شود، در غیر این صورت، قتل شبه عمدی است و مرتکب علاوه بر قصاص عضو به پرداخت دیه نفس نیز محکوم می شود.

- السرایة عن جنایة العمد ، توجب القصاص مع التساوی . فلو قطع یده عمدا فسرت ، قتل الجارح ، وكذا لو قطع اصبعه عمدا ، بآلة تقتل غالباً فسرت . - شرائع الاسلام - المحقق الحلی ج ٤ ص ٩٧٣ .
- سرایت جنایت عمدی در صورت تساوی موجب قصاص است بنابراین اگر جانی دست مجنی علیه را عمدا قطع کند و بر اثر سرایت مجنی علیه بمیرد ، جانی قصاص می شود و همچنین است انگشت مجنی علیه را با وسیله ای که غالباً کشنده است عمدا قطع نماید و بر اثر سرایت موجب مرگ مجنی علیه شود .
- لو سرت جنایة العمد ، ثبت القصاص فی النفس . فلو قطع إصبعه عمدا لا بقصد القتل فسرت الی نفسه قتل الجارح .
- اگر جنایت عمدی سرایت کند و باعث مرگ شود قصاص ثابت می شود بنابراین اگر انگشت مجنی علیه را عمدا و بدون قصد قتل قطع کند و سرایت کند به نفس مجنی علیه جانی قصاص می شود . . -قواعد الأحكام - العلامة الحلی ج ٣ ص ٥٨٥ .

- لو سرت جناية العمد على طرف إلى النفس ثبت القصاص ( فى النفس ) اتفاقا كما هو الظاهر واطلاقهم يشمل كل جراحة قصد بها القتل أم لا كانت مما يسرى غالبا أولا فلو قطع اصبعه عمدا لا بقصد القتل فسرت إلى نفسه قتل الجراح ولكن فيه نظر . كشف اللثام (ط.ق) - الفاضل الهندي ج ٢ ص ٤٤١ .
- اگر جنایت بر عضو به نفس سرایت کند ظاهرا فقها اجماع دارند که قصاص نفس ثابت می شود و اطلاق فقها شامل هر جراحی می شود خواه قصد قتل شده باشد یا نه و خواه جنایت از جمله جنایاتی باشد که غالبا سرایت می کند یا خیر بنابراین اگر انگشت مجنی علیه را بدون قصد قتل قطع کند و به نفس سرایت کند جانی قصاص می شود لکن در این حکم ایراد است .
- ولو جرح جان عمدا فسرت الجناية إلى النفس فقتل المجروح دخل قصاص الطرف فى قصاص النفس اتفاقا فى الظ وبعدم الخلاف فيه صرح فى بعض العباير وهو الحجة مضافا إلى النصوص الاتية . رياض المسائل (ط.ق) - السيد على الطباطبائي ج ٢ ص ٥٠٢ .
- اگر جانی جراحی وارد کند و جراحی به نفس سرایت و باعث مرگ مجروح شود قصاص عضو در قصاص نفس تداخل می کند ظاهرا فقها بر این مسأله اجماع دارند . در بعضی عبارات تصریح شده که اختلافی در این خصوص نیست و این اجماع دلیل این مسأله است مضافا بر روایاتی که خواهد آمد .